فقه و اصول، سال چهل و نهم، شماره ۳، شمارهٔ پیاپی ۱۱۰
پاییز ۱۳۹۶، ۹۴-۷۹

بررسی فقهی حقوقی مجوزهای اجباری بهره برداری از حق اختراع *

دکتر مصطفی بختیاروند
استادیار دانشگاه قم
Email: m.bakhtiarvand@qom.ac.ir

چکیده

مجوز اجباری حق اختراع، راهکاری است برای برقراری تعادل بین حقوق انحصاری دارنده و حق عموم مردم در برخورداری از رفاه اجتماعی که در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی بسیاری از کشورها پیش‌بینی شده است. هدف از این مقاله، بررسی تعریف، موارد صدور و احکام این نوع مجوز است. در حقوق ایران، مجوزهای اجباری حق اختراع را می‌توان با اختیار حکومت اسلامی، به عنوان معطی حق اختراع، در تعیین حدود آن توجیه کرد. عدم بهره‌برداری از اختراع مورد نیاز عموم، تحت شرایطی، می‌تواند احتکار تلقی شود. اعمال منجر به صدور این مجوز، در بسیاری موارد، مصداق سوءاستفاده از حق و موجب ورود ضرر به جامعه است که منع آن را می‌توان با قاعده لاضرر توجیه نمود.

کلیدواژه‌ها: حق اختراع، مجوز اجباری، اختیارات حکومت اسلامی، احتکار، سوء استفاده از حق

*. تاریخ وصول: ۱۳۹٤/۰۹/۱٤؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰٤/۰۵.

DOI: 10.22067/jfu.v0i0.51977

مقدمه

مجوز اجباری[1] حق اختراع[2] در سطح بین‌المللی نخستین بار در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی[3] مطرح شد (Liu, 4). پس از کنوانسیون پاریس، مجوز اجباری در قوانین داخلی بیشتر کشورها تصویب (Correa, 4) و در موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری[4] (از این به بعد تریپس) و بیانیه ۲۰۰۱ دوحه[5] هم پیش‌بینی شد. در آمریکا، به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه مالکیت صنعتی، قانون خاصی راجع به مجوز اجباری تصویب نشده ولی این نوع مجوز در قوانین مختلف جهت تأمین نیازهای عمومی، از جمله نظامی، پیش‌بینی شده است. در ایران هم مجوز اجباری در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ (از این به بعد قانون ۸۶) و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۷ (از این به بعد آیین‌نامه) پیش‌بینی شده است.

محدود نمودن دارنده، در اعمال حق اختراع، را می‌توان چنین توجیه کرد که قانونگذار به عنوان معطی حق، می‌تواند قلمرو و نحوه اجرای آن را تعیین نماید. مطالعه موارد صدور مجوز اجباری نشان می‌دهد شباهت‌هایی بین این موارد و مسأله احتکار وجود دارد. لذا می‌توان این پرسش را مطرح نمود که آیا عدم بهره‌برداری از اختراع مورد نیاز عموم را می‌توان مصداق احتکار دانست؟ با عنایت به تنوع نظرات فقها در باب احتکار و مصادیق آن، لازم است مطالعه‌ای دقیق در این زمینه صورت پذیرد. برخی موارد صدور مجوز اجباری با احتکار انطباق ندارد و لذا باید عناوین دیگری برای آن‌ها یافت. عدم بهره‌برداری از اختراع یا بهره‌برداری منجر به ورود زیان به دیگران، ممکن است مصداق سوء استفاده از حق را باشد که نیازمند بررسی و یافتن مبنایی برای توجیه منع آن است.

در این مقاله ابتدا مفهوم مجوز اجباری حق اختراع را بیان نموده؛ سپس مجوز اجباری و مقررات حاکم بر آن را به ترتیب در اسناد بین‌المللی، حقوق آمریکا (که بیشترین استفاده را از مجوز اجباری می‌برد) و حقوق ایران و فقه امامیه مطالعه می‌نماییم. در قسمت اخیر، ابتدا مفهوم، شرایط و احکام احتکار را تبیین و سپس آن را با موارد صدور مجوز اجباری مقایسه می‌نماییم. همچنین مفهوم سوء استفاده از حق را بیان و در ادامه امکان اطلاق این عنوان بر مصادیق مجوز اجباری و مبنای منع آن را مطالعه می‌کنیم.

---

1. Compulsory license

۲. جهت مطالعه موارد صدور مجوز اجباری در حقوق مالکیت ادبی و هنری ر.ک: صادقی، خاکپور، ۱۵۸-۱۵۵.

3. Paris Convention for the Protection of Industrial Property of 20 March 1883.

4. Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property of 15 April 1994: (TRIPS).

5 Doha Declaration on the TRIPS agreement and public health of 14 November 2001.

مفهوم

برخی نویسندگان مجوز بهره‌برداری اجباری را چنین تعریف کرده‌اند: مجوز صادر شده توسط یک ارگان حکومتی به نهاد دولتی، شرکت یا شخص دیگر، جهت استفاده از حق اختراع بدون رضایت دارنده حق اختراع (Abbas & Riaz, 283). در برخی منابع دیگر، از این نوع مجوز، به مجوز غیر داوطلبانه[1] نیز یاد شده که عبارت است از عمل دولت در مجاز شمردن خود یا شخص ثالث به استفاده از موضوع حق اختراع، بدون اذن دارنده حق، به دلائل مربوط به نظم عمومی (Reichman & Hasenzahl, 1). همچنین گفته شده: مجوز اجباری، به دولت یا شخص ثالث مجاز از طرف دولت اجازه می‌دهد حق اختراع را بدون اذن دارنده اعمال کند (Khan, 226). لازم به ذکر است که قانون ۸۶ در شماره ۳ از بند «د» ماده ۱۷ «اجازه ناخواسته» را به کار برده است. با دقت در تعاریف ارائه شده می‌توان مجوز اجباری را چنین تعریف کرد: «مجوز صادر شده از طرف مرجع ذیصلاح برای یک ارگان دولتی یا شخص ثالث مأذون از سوی دولت، مبنی بر بهره‌برداری از حق اختراع بدون اذن دارنده آن».

مجوز اجباری حق اختراع در اسناد بین المللی

کنوانسیون پاریس

بند دو ماده ۵ کنوانسیون پاریس مقرر می‌دارد: «هر کشور اتحادیه حق اتخاذ تدابیر قانونی را دارد که اعطای مجوز اجباری را جهت منع سوءاستفاده‌های محتمل ناشی از استیفای حقوق انحصاری تفویض شده مانند عدم به کارگیری، مقرر می‌دارد». پس مبنای این حکم کنوانسیون پاریس، منع سوءاستفاده از حق است. کنوانسیون در مقام بیان مثال، عدم به کارگیری اختراع را ذکر نموده ولی مفهوم به کارگیری را مشخص نکرده و تعریف این اصطلاح را به حقوق داخلی کشورهای عضو محول نموده است (Reichman & Hasenzahl, 10)؛ به همین سبب الزامات به کارگیری داخلی در بین کشورهای عضو متنوع‌اند (Cottier et al, 10). مثال‌های دیگر سوءاستفاده ممکن است مواردی باشد که دارنده حق اختراع از اعطای مجوز بهره‌برداری بر اساس شرایط متعارف امتناع می‌کند، مقادیر کافی از محصول موضوع حق اختراع را روانه بازار داخلی نمی‌کند یا قیمت‌های خیلی بالا برای این محصولات مطالبه می‌کند (Liu, 4).

تریپس

بر طبق بند ۱ ماده ۲ تریپس «... کشورهای عضو مواد ۱ تا ۱۲ و ماده ۱۹ کنوانسیون پاریس (۱۹۶۷) را رعایت خواهند کرد». پس ماده ۵ کنوانسیون پاریس جزئی از نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت شده

1. Non-voluntary license

است (Cottier et al, 11). ماده ۳۱ تریپس مجوز اجباری را بـا تعبیـر «اسـتفاده دیگـر بـدون اذن دارنـده حق»[1] پیش بینی کرده است. گرچه اصطلاح مجوز اجباری در هیچ جای تریپس ذکر نشده، اما، همـان‌طور که به درستی گفته شده، استفاده دیگر، همان مجوز اجباری در کنوانسیون پاریس است و ماده ۳۱ ایـن نـوع مجوز را مدنظر داشته است (Jasmila, 6).

بر اساس بند (b) ماده ۳۱، و به عنوان قاعده، صدور مجوز اجباری منوط به مذاکرات قبلی مجوزگیرنده پیشنهادی با دارنده، بر مبنای مفاد و شروط تجاری متعارف و عدم موفقیت این مـذاکرات در مـدت زمـانی متعارف است. این قاعده استثنائاتی دارد که در ادامه بند مذکور بیان شده‌اند؛ بـدین ترتیـب کـه در صـورت بروز وضع اضطراری ملی یا اوضاع و احوال دیگر فوق‌العاده اضطراری یا بهره‌برداری عمـومی غیرتجـاری[2] رعایت این شرط ضرورت ندارد. برخی با انتقاد از این ماده، آن را ابزاری مبهم دانسته‌اند که از نظـر مـاهوی راهنما نیست و اختلاف نظرهای گسترده‌ای در خصوص «مصادیق وضع اضطراری ملی یا اوضاع و احـوال دیگر فوق‌العاده ضروری» مذکور در آن وجود دارد. برای مثال، این پرسـش مطـرح شـده کـه آیـا سـرطان و بیماری قلبی صرفاً مسائل مربوط به سبک زندگی هستند یا «اوضاع و احوال فوق‌العاده ضـروری» و آیـا در حال حاضر ایدز تنها «وضعیت فوق العاده ضروری» است؟ (Cottier et al, 13). در هر حال، در ادامـه بند مذکور حتی در موارد اضطراری، مطلع ساختن دارنده حق از صـدور مجـوز ضـروری اسـت. اسـتثنای دیگر مذاکرات پیشین در بند (k) آمده و در موردی است که مجوز اجباری به عنوان جبران برای رویه‌ای کـه پس از رسیدگی قضایی یا اداری، ضد رقابتی اعلام شده در نظر گرفته شـده اسـت. از ایـن بنـد بـه خـوبی برمی‌آید که بر طبق تریپس یکی از زمینه‌های صدور مجوز اجباری، مقابله با رویه‌های ضد رقابتی است.

بند (h) ماده ۳۱ مقرر داشته که عوض متناسبی در اوضاع و احوال هر پرونده، با در نظـر گـرفتن ارزش اقتصادی مجوز به دارنده حق پرداخت خواهد شد. با دقت در احکام تریپس در خصـوص لـزوم پرداخـت عوض و مذاکره پیشین با دارنده، می‌توان دریافت که تـریپس در پـی برقـراری تـوازن بـین منـافع عمـومی و اعطای مجوز دولتی و محافظت از حقوق دارنده حق اختراع است (Jasmila, 7). با توجه به بند (c) مـاده ۳۱، قلمرو و مدت مجوز اجباری محدود به هدف صدور آن خواهد بود، در عین حال با عنایت به بنـد (g) هر گاه اوضاع و احوالی که موجب صدور چنین مجوزی شده، خاتمه یابد و احتمال بازگشت آن‌هـا نـرود، مجوز منقضی خواهد شد. بند (d) چنین مجوزی را غیرانحصاری می‌داند، بند (f) این مجوز را غالباً بـرای تأمین نیاز بازار داخلی پیش بینی و بند (e) آن را اصولاً غیر قابل انتقال اعلام کرده، مگر در صـورت انتقـال

1. Other Use Without Authorization of the Right Holder

۲ . بهره‌برداری عمومی غیرتجاری به صراحت در قانون ۸۶ پیش‌بینی نشده است.

بخشی از بنگاه یا سرقفلی که از این مجوز بهره‌مند است.

در بند پایانی ماده ۳۱ فرض دیگری برای صدور مجوز اجباری پیش بینی شده که به موجب آن تحت شرایطی امکان بهره‌برداری از یک حق اختراع (به تعبیر بند مذکور، «حق اختراع دوم»[1]) کـه بهره‌بـرداری از آن بدون نقض حق اختراع دیگر («حق اختراع نخست»[2]) ممکن نیست وجود دارد. در چین حالتی عـلاوه بر شرایط بندهای قبل، سه شرط دیگر نیز مقرر شده است: الف- اختراع ادعایی در گواهینامـه اختـراع دوم، نسبت به اختراع ادعایی در گواهینامه اختراع نخست مشتمل بر پیشـرفت فنـی باشـد کـه از نظـر اقتصـادی اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد؛ ب- دارنده حق اختراع نخسـت مسـتحق مجـوز متقابـل بـر مبنـای شـرائط منصفانه جهت بهره‌برداری از حق اختراع دوم خواهد بود؛ و ج- بهره‌برداری از حق اختراع نخست غیرقابل انتقال خواهد بود، مگر در صورت واگذاری حق اختراع دوم.

بیانیه دوحه

بر طبق بند (b) پاراگراف ۵ بیانیه دوحه، «هر کشور عضو از حق صدور مجوزهـای اجبـاری و اختیـار تعیین زمینه‌های اعطای این مجوزها برخـوردار اسـت». همچنـین بنـد (c) همـان پـاراگراف، حـق تعیـین وضعیت اضطراری ملی یا دیگر اوضاع و احوال فوق‌العاده را به کشورهای عضو داده و ایدز، سل، مالاریـا و دیگر بیماری‌های واگیردار را به عنـوان مثال‌هـایی از بحران‌هـای مـرتبط بـا سـلامت عمـومی، از مصـادیق احتمالی آن‌ها محسوب نموده است.

حقوق آمریکا

به طور کلی، ایالات متحده آمریکا هیچ‌گاه یک نظام تقنینی مجوز اجباری را جهت مهـار سوءاسـتفاده از حق اختراع برقرار نکرده؛ کنگره نیز قانونی را که به طور کلی صـدور مجـوز اجبـاری بـه خـاطر مصـالح عمومی را تجویز نماید تصویب نکرده است (Liu, 5) و بر خلاف قوانین حق اختراع بسیاری از کشـورها، قانون حق اختراع ۱۹۵۲ آمریکا[3] نیز مقرره‌ای عام راجع به مجوز اجبـاری نـدارد (Thomas, 6). در عـین حال در برخی قوانین خاص مجوز اجباری پیش‌بینی شده و عدم صدور قرار منع دائم علیه ناقض، واجد اثر همین مجوز دانسته شده و گاه مجوز اجباری جبرانی است در برابر رویه‌های ضدرقابتی.

مجوز اجباری پیش‌بینی شده در قوانین خاص

در آمریکا مجوزهای اجباری وجود دارد که هر کدام راجع به موضوعات تخصصی هسـتند (loc.cit).

1. The second patent
2. The first patent
3. Patent Act of 1952.

برای نمونه، بند a بخش ۵۳ قانون انرژی اتمی ۱۹۵۴[1]، مجوز اجباری را در موردی مجاز می‌داند که اختراع یا کشف موضوع حق اختراع اهمیت اساسی در تولید یا بهره‌برداری از مواد هسته‌ای خاص یا انـرژی اتمـی داشته باشد و اعطای مجوز آن اهمیت اساسی در تحقق سیاست‌ها و اهـداف قـانون مـذکور داشـته باشـد. قانون هوای پاک ۱۹۷۰[2] مقرره مشابهی در خصوص مجوز اجباری حق اختراع‌های مرتبط با کنترل آلودگی هوا دربردارد که هدف آن فراهم نمودن امکان دسترسـی گسـترده‌تر صـنایع بـه ابـزار کنتـرل آلـودگی هـوا و جلوگیری از خودداری شرکت‌ها از بهره‌برداری از اختراعات سطح بالا به ادعـای در دسـترس نبـودن آن‌هـا است (Yosick, 1279). قانون حمایت از گونه‌های گیاهی ۱۹۷۰[3] هـم مجـوز اجبـاری گیاهـان دانـه‌دار حمایت شده به وسیله گواهی‌های گونه گیاهی[4]، پیش‌بینی نموده است. قانون بیـه-دول[5] مصـوب ۱۹۸۰ و آیین‌نامه‌های آن، به پیمانکاران دولتی اجازه می‌دهد نسبت به اختراعـاتی کـه بـا اسـتفاده از سـرمایه‌گذاری دولتی انجام داده‌اند گواهینامه اختراع کسب کنند. معـذلک، دولـت حقـی دارد کـه بـه موجـب آن، ارگـان سرمایه‌گذار می‌تواند مجوزهای اجباری نیز به «متقاضیان متعارف» دیگر اعطـا نمایـد. ایـن حـق فقـط در مواردی وجود دارد که پیمانکار: اقدامات مؤثری جهت به کارگیری عملی اختراع انجام نداده باشد؛ نیازهای بهداشتی و امنیتی را به طور متعارف محقق نکرده باشد؛ الزامات اسـتفاده عمـومی اعـلام شـده بـه وسـیله آیین‌نامه دولت را رعایت نکرده باشد؛ یا حق انحصاری بهره‌برداری از اختراع ثبت شـده را بـدون اخـذ ایـن تعهد که اختراع اساساً در آمریکا تولید خواهد شد به دیگری اعطا نموده باشد (ماده ۲۰۳(a) قانون مذکور؛ Thomas, 7).

به علاوه، در سال ۲۰۰۷ کنگره آمریکا با تصویب قانون رقابت‌پذیری ذخیـره انـرژی آمریکـا[6]، برنامـه مجوز اجباری جدیدی راجع به بازارهای ذخیره انرژی مقرر نمود. همچنین حوزه دیگری که در آن، آمریکـا استفاده از اختراعات ثبت شده را بدون اذن دارندگان حق مجاز می‌دارد، استفاده «توسـط و بـه نماینـدگی از دولت» بر طبق قانون مصوب ۱۹۴۸ است. به موجب این قانون، دولت فدرال می‌تواند به اشخاص ثالـث و نیز کارمندان خود اجازه بهره‌برداری از هر اختراع ثبت شده را بدهد و تنها جبران برای دارنـده حـق اختـراع، پرداخت عوض بهره‌برداری است. وزارت دفاع آمریکـا، عمـده‌ترین اسـتفاده‌کننده از ایـن قـانون محسـوب

---

1. Atomic Energy Act of 1954.
2. Clean Air Act of 1970.
3. Plant Variety Protection Act of 1970.
٤. سندی شبیه حق اختراع که وزارت کشاورزی آن را صادر می‌کند.
5. Bayh-Dole Act of 1980.
6. United States Energy Storage Competitiveness Act of 2007.

می‌شود. در سال ۲۰۱۰، قانون مراقبت قابل دسترس[1]، مجوزی اجباری برای حق اختراع‌های مرتبط با داروهای بیولوژیک را برقرار نمود. مجوز اجباری هنگامی واجد اثر می‌گردد که تولیدکننده داروی بیولوژیک به موقع دعوای نقض را اقامه نکرده یا حق اختراع‌های مربوط به دارو را افشا نکند (KEI, 8-9).

عدم صدور قرار منع دائم علیه ناقض

در عمل، شرایط مضیقی که برای صدور قرار منع دائم در پرونده‌های نقض حق اختراع در نظر گرفته شده، اثر مجوز اجباری را در پی دارد. از دیدگاه برخی نویسندگان، از نظر عملی، نتیجه رد قرار منع مانند صدور یک مجوز اجباری است، چرا که در واقع دولت اجازه بهره‌برداری از حق مالکیت فکری را بدون رضایت دارنده به شخص ثالثی داده است (Cotropia, 15).

مجوز اجباری به عنوان جبرانی برای رویه ضدرقابتی

به طور کلی، اگر اثبات شود که یک بنگاه در مورد حق اختراع‌های خود رفتار ضدرقابتی داشته، ممکن است ملزم شود که مجوز بهره‌برداری از آن‌ها را به اشخاص ذینفع اعطا نماید (Thomas, 2014: 7). در سال ۲۰۱۱، وزارت دادگستری آمریکا، با همکاری اداره فدرال کارتل، شرکت‌های مایکروسافت، اوراکل، اپل و ای ام سی را ملزم نمود مجوز ۸۸۲ حق اختراع و اظهارنامه حق اختراع کسب شده از نوول را به صورت مجوزهای منبع باز اعطا نمایند (KEI,2).

حقوق ایران و فقه امامیه

بر طبق ماده ۳۰ قانون مدنی: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد».

این ماده در واقع قاعده تسلیط را بیان می‌کند[2] (کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۰۲) که مختص اعیان نیست و در حقوق نیز جاری است (محقق داماد، ۲/ ۱۲۵). لذا دارنده حق اختراع نیز مانند هر مالک دیگری اختیار تصرف در مال خود را دارد و حتی می‌تواند اختراع را معطل گذاشته و حقوق ناشی از گواهینامه اختراع را اعمال ننماید. در قانون ۸۶ هم اصولاً تکلیفی برای دارنده مبنی بر بهره‌برداری از اختراع مقرر نشده است. به علاوه، به موجب ماده ۳۱ قانون مدنی «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان

1. Affordable Care Act of 2010.

۲. البته در لسان فقهی، قاعده تسلط (محقق داماد، ۲/ ۱۱۲؛ علیدوست، ابراهیمی راد، ۳۱-۷) و سلطنت (مصطفوی، ۱۳۶) نیز نامیده شده است.

بیرون کرد مگر به حکم قانون». این ماده در واقع به یکی از خصائص مالکیت یعنی انحصاری بودن نظر داشته (پارساپور، ۴۹) که مطابق با آن «حق مزبور منحصر به مالک بوده و همه افراد موظفاند که آن را محترم شمرده و به آن تجاوز ننمایند»[1] (طاهری، ۱/ ۱۹۷).

اما همان طور که گفتیم قانون ۸۶ مجوز اجباری بهره‌برداری از حق اختراع را پیش‌بینی کرده که نوعی محدودیت برای دارنده است. بر طبق ماده ۱۷ این قانون، بهره‌برداری به موجب مجوز اجباری توسط دولت یا شخص مجاز از طرف آن انجام می‌شود. بر اساس بند الف این ماده، هرگاه بنا به تشخیص وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذیربط حفظ منافع عمومی مانند امنیت ملی، تغذیه، بهداشت یا توسعه سایر بخش‌های حیاتی اقتصادی کشور بر بهره‌برداری از اختراع متوقف باشد؛ یا این که بهره‌برداری مالک یا شخص مجاز از طرف او با رقابت آزاد مغایر و به تشخیص مقام مذکور، بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد مجوز اجباری صادر می‌شود. مرجع رسیدگی به این موضوع، کمیسیونی مرکب از رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، یکی از قضات دیوان عالی کشور با معرفی رییس قوه قضاییه، دادستان کل کشور، نماینده رییس جمهور و وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذیربط خواهد بود. مانند موافقتنامه تریپس، صدور مجوز اجباری منوط است به اثبات مذاکرات ناموفق قبلی (بند ه ماده ۱۷). البته بر طبق ماده ۳۶ آیین نامه، در صورت فوریت مصالح ناشی از امنیت ملی کشور، به تشخیص کمیسیون فوق‌الذکر، نه درخواست از مالک ضرورت دارد و نه ارائه مدرک دال بر انجام مذاکرات و ناموفق بودن آن.

در بند ح ماده ۱۷ نیز جهت دیگری برای صدور مجوز اجباری اختراع بیان شده است که به اختراعات وابسته مربوط می‌شود. مطابق با این بند اگر دارنده یک اختراع ثبت شده ادعا نماید که بهره‌برداری از اختراعش بدون استفاده از یک اختراع مقدم امکان‌پذیر نیست؛ و این که اختراع مؤخر نسبت به اختراع مقدم، متضمن پیشرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل ملاحظه است، مجوز بهره‌برداری از اختراع نخست، بدون موافقت مالک آن صادر می‌شود. علاوه بر شرایط یاد شده، به موجب قسمت ٦ همین بند: «درصورت صدور پروانه بهره برداری بدون موافقت مالک، اجزاء (۱) و (۲) این بند و بندهای (ب) تا (و) و نیز بند (ط) این ماده قابل اعمال است».

دخالت دولت در نحوه اعمال حقوق ناشی از گواهینامه اختراع و صدور مجوز بهره‌برداری اجباری را نباید نوعی سلب مالکیت تلقی نمود زیرا با صدور مجوز اجباری، همچنان حق اختراع دارنده باقی است و با توجه به غیرانحصاری بودن این نوع مجوز، او حتی امکان اعطای مجوز بهره‌برداری به اشخاص دیگر را هم دارد. این عمل مصادره هم نیست زیرا علاوه بر آن چه گفته شد، منظور از مصادره «گرفتن قهری مال متعلق به غیر توسط قدرت عمومی (دولت/حکومت)» است. در فقه اسلامی مصادره بر دو نوع به حق و

۱. این عنصر، در برخی منابع، مانعیت هم نامیده شده است (ر.ک.: حکمت‌نیا، ۱۶۸).

ناحق است که نوع نخست «امری جایز است و از زمره کیفرها شمرده می‌شود. مانند مصادره اموال محتکر، مصادره مواد مخدر، مصادره مواد قاچاقی، مصادره کالاهای تباه شده و .... در این فرض از این حیث که شارع مصلحت عمومی را بر مصلحت شخصی ترجیح داده قائل به مصادره بوده و آن را امری مشروع و قانونی می‌داند». (انصاری و طاهری، ۳/ ۱۸۵۱) بدیهی است که دارنده اختراع در دو مورد از موارد صدور مجوز اجباری مرتکب خلافی نشده و قانونی را نقض نکرده است تا مستحق کیفر باشد و حتی در مورد مغایرت بهره‌برداری مالک با رقابت آزاد که ممکن است مصداق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ باشد، ماده ۱۷ قانون ۸۶ با رویکرد کیفری و تعیین مجازات تدوین نگشته است.

در واقع صدور مجوز اجباری بر اساس قانون ۸۶ تحمیل نوعی محدودیت، در قالب بهره‌برداری، بر دارنده اختراع است که علیرغم میل باطنی او صورت می‌گیرد. مبنای این حکم قانونی را می‌توان در اصل ۴۷ قانون اساسی یافت که به موجب آن «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند». پس قانونگذار می‌تواند در قوانین موضوعه قید و بندهایی را نسبت به مالکیت مقرر دارد. قانون ۸۶ در زمینه حق اختراع بـه همـین ترتیب عمل کرده و ضوابط مالکیت اختراع، از جمله محدودیت‌های راجع به مجوز اجباری، را مشخص نموده است. به علاوه، تعیین ضوابط توسط قانونگذار در مورد حق اختراع نمود بیشتری دارد چرا که حقوق احصا شده در قانون ۸۶ ناشی از ثبت اختراع و صدور گواهینامه اختراع است (مواد ۳ و ۱۵ قانون ۸۶). قانونگذار اراده کرده است که حق اعطا شده به موجب ثبت، در موارد مشخص و در صورت جمع شرایطی که خود مقرر داشته است بتواند توسط دیگران و بدون اذن دارنده مورد بهره‌برداری قرار گیرد. پس هم مطلق بودن حق اختراع و هم انحصاری بودن آن در قانون با محدودیت و قید و بندهایی مواجه شده است.

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی نیز «مالکیت ... تا جایی که با اصول دیگر ... مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است». همان طور که برخی اساتید حقوق گفته‌اند: «قیدهای اصل ۴۴ بخوبی نشان می‌دهد که «حق مالکیت» دیگر از حقوق طبیعی و مربوط به شخصیت انسان نیست؛ وسیله‌ای است برای حفظ منافع عمومی و تنها در صورتی مورد حمایت قرار می‌گیرد که شیوه اکتساب و اجرای آن در مسیر هدف‌های قانونگذار باشد» (کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۰۲). حتی اگر حق اختراع را نوعی مالکیت قلمداد نکنیم، از باب وحدت ملاک، مشمول احکام مذکور در اصول ۴۷ و ۴۴ قانون اساسی خواهد بود.

عدم بهره‌برداری از اختراع در وضعیتی که جامعه به اختراع نیاز فوری دارد یادآور موضوع احتکار در فقه و حقوق است. اما باید دید که عدم بهره‌برداری واقعاً مصداق احتکار هست تا احکام احتکار بر آن بار شود

یا خیر. بدین منظور ابتدا مفهوم احتکار را بررسی می‌نماییم. در فرهنگ لغت صحاح احتکار به معنی جمع کردن و حبس غذا و منتظر ماندن جهت گران شدنش آمـده اسـت (جـوهری، ۲/ ٦٣٥). در لسـان العـرب ریشه احتکار یعنی حکر به معنی ذخیره غذا به منظور گران شـدن آمـده اسـت (ابـن منظـور، ۴/ ۲۰۸). در تاج‌العروس، احتکار، حبس غذا و نحو آن از مأکول بـه انتظـار گـران شـدن اسـت (زبیـدی، ٦/ ۳۰۰). در المصباح المنیر هم احتکار حبس طعام به قصد گران شدن آمده است (فیومی، ۲/ ١٤٥).

بر طبق بند الف ماده ۱ قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳٦۷[1] احتکـار عبـارت است از جمع و نگهداری ارزاق موردنیاز و ضروری عامه مردم (گندم، جو، کشمش، خرما، روغن حیـوانی و نباتی) به قصد افزایش قیمت. ماده ۳ همان قانون می‌گوید: هر کس کالاهای زیاده بر مصرف سالانه خود را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مـردم و یـا خـودداری از فروش به دولت پس از اعلام نیاز دولت حبس و امساک نماید در حکم محتکر است[2] و مجازات محتکر را خواهد داشت.[3] مـاده ٤ قـانون تعزیـرات حکـومتی ۱۳٦۷ تعریـف متفـاوتی از احتکـار ارائـه داده اسـت: «نگهداری کالا بطورعمده با تشخیص مراجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گرانفروشی یـا اضـرار جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت».

در فقه امامیه، سید جواد حسینی عاملی احتکار را حبس طعام به انتظار گران شـدن می‌دانـد (حسـینی عاملی، ۱۲/ ۳۵۱). طبق نظر شیخ طوسی احتکار در خوراکی‌ها مکروه است هر گاه به مسـلمین زیـان وارد کند و فقط نزد یک شخص موجود باشد.... و احتکار در این خوراک‌ها مصـداق دارد: گنـدم، جـو، خرمـا، کشمش، روغن و نمک (شیخ طوسی، ۲/ ۱۹۵). از دیدگاه علامه حلی احتکار حـبس گنـدم، جـو، خرمـا، کشمش، روغن و نمک به دو شرط است: نگه داشتن به امید بالا رفتن قیمت و نبودن در دست دیگری، پس اگر به خاطر حاجت خود آن را نگه دارد یا نزد دیگری یافت شود ممنوع نیسـت (علامـه حلـی، ۱۲/ ١٦٦). مولی احمد نراقی می‌گوید اختلافی در منحصر بودن احتکار ممنوع به اطعمه وجـود نـدارد (نراقـی، ٤٨). کاشف الغطاء شمول حرمت بر هر چیزی را که نوع مردم به آن احتیاج دارند مانند روغـن حیـوانی، روغـن نباتی، نمک و هیزم بلکه حتی دارو، زمین و خانه را بعید نمی‌داند (کاشف الغطاء، ۱۳۲). محمدجواد مغنیه هم احتکار را به عنوان قاعده‌ای کلی مثل ربا حرام می‌داند و تنها دلیل آن را هم نیاز مردم بـه شـیء احتکـار شده بیان کرده است. به عقیده وی، ذکر بعضی غذاها در برخی روایات از باب غلبه و شدت احتیـاج مـردم در آن زمان بوده است. وی در انتقاد از فقهایی که احتکار را به خرما و کشمش و امثال آن محـدود کرده‌انـد

1. http://rc.majlis.ir/fa/law/show/91498 (last visited on 6/9/2016)

۲. تأکید از نگارنده است.

۳. البته بر طبق همان ماده، مدت اجرای این ماده ۵ سال از تاریخ لازم الاجرا شدن است.

می‌گوید: از این کلام شما لازم می‌آید که احتکار نفت و برق حرام نباشد در حالی که امروزه زنـدگی بـدون آن‌ها غیرممکن است (مغنیه، ۳/ ۱٤٥-١٤٤). سید ابوالقاسم خویی در مصباح الفقاهه احتکار را بـه نفـس طعام محدود نمی‌داند بلکه هر آن چه را که بر حسب عادت، قوام غذا نیز به آن منوط باشد، مشمول احتکار می‌داند؛ لذا به نظر وی، بعید نیست که حرمت احتکار شامل نفت هم باشـد. ایشـان سـند روایـاتی را کـه احتکار را به امور خاصی محصور نموده ضعیف می‌داند و معتقد است نمی‌توان با این روایـات از روایـات مطلقی که حجیت آن‌ها ثابـت اسـت دسـت برداشـت (خـویی، مصـباح‌الفقاهه، ٥/ ٤٩٩-٤٩٨). وی در منهاج الصالحین حکم احتکار را به گندم، جو، خرما، کشـمش، روغـن نبـاتی و روغـن حیـوانی مخـتص دانسته ولی احتیاط مستحب را در این می‌داند که نمک به آن ملحق شود بلکه هر چیزی که عموم مسـلمین به آن احتیاج دارند از قبیل لباس، مسکن، مرکب و غیره (همو، منهاج‌الصالحین، ۲/ ۱۳).

سبزواری در المهذب می‌گوید: سخن در این باب است که آیا این اشیا موضـوعیت خاصـی دارنـد یـا طریقی هستند به هر آن چه مردم در هر زمان و مکان به آن احتیاج دارند؟ و از آنجا که حکم مطـابق قاعـده است یعنی: تقدیم اهم نوعی- که عبارت است از رفع حاجت نوعی- بر مهـم شخصـی کـه مراعـات حـق مالک است، پس حکم در همه موارد جاری می‌شود و روایات مطابق با قاعده در آن چه ذکر شد وارد شده، پس قاعده سلطنت محکم است تا جایی که جهت مهم‌تری با آن تعارض نکند کما این کـه در همـه مـوارد چنین است (سبزواری، ۱۶/ ۳۴). به نظر امام خمینی «حرمت احتکار بر اسـاس آنچـه در روایـات آمـده و نظر مشهور هم همان است، فقط در غلات چهارگانه و در روغن حیوانی و روغن نبـاتی اسـت کـه طبقـات مختلف جامعه به آن نیاز دارند، ولی حکومت اسلامی هنگامی که مصلحت عمومی اقتضا کند، حـق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند و اجرای تعزیر مالی بـر محتکـر در صـورتی کـه حـاکم صلاح بداند، اشکال ندارد» (امام خمینی، توضیح‌المسایل محشی، ۲/ ۱۰۲۷).

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت اگر نظر فقهایی را بپذیریم که احتکار را منحصر در مـوارد مـذکور در روایات نمی‌دانند، به کار نگرفتن اختراعی که عموم مردم به آن احتیاج دارند و جایگزینی هم ندارد (کما این که غالباً چنین است و مثلاً داروهای ضد سرطان منحصربفرد هستند) به قصد بـالا رفـتن قیمـت، مصـداق احتکار و موضوع احکام آن خواهد بود. اما اگر نظری را بپذیریم کـه احتکـار را منحصـر در مـوارد مشـهور می‌داند، نمی‌توان حبس اختراع را مصداق احتکار دانست. پس قواعد احتکار هم بر آن بار نمی‌شود. اما در این حالت می‌توان به فتوای امام خمینی استناد نمود که در صورت اقتضـای مصـلحت، حـاکم اسـلامی را مجاز می‌داند «از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند». به نظر نگارنده، دیدگاه اخیـر و دیـدگاه فقهایی که قلمرو احتکار را وسیع می‌دانند، از جهت پرداختن به مبنای منع احتکار، که رفع احتیاج عمـوم و جلوگیری از حبس ناعادلانه اموال است، منطقی به نظر می‌رسد و همان طور که از بعضی فقهـا نقـل شـد،

موارد مذکور در روایات خصوصیتی ندارند تا حکم احتکار را محدود به آن‌ها بدانیم. پس حکم ماده ۱۷ قانون ۸۶ در فرضی که حفظ منافع عمومی مانند امنیت ملی، تغذیه، بهداشت یا توسعه سایر بخش‌های حیاتی اقتصادی کشور بر بهره‌برداری از اختراع متوقف باشد در مواردی با احکام احتکار انطباق دارد.

در فرض احتکار، محتکر از سوی حاکم اسلامی مجبور می‌شود که کالا را برای فروش عرضه کند (جمعی از پژوهشگران، ۶/ ۱۴۲). اما تعیین قیمت با محتکر است یا حاکم؟ برخی از فقها معتقدند حاکم باید قیمت را مشخص نماید. شیخ مفید در مقنعه می‌گوید: حاکم حق دارد قیمت را طبق مصلحت تعیین نماید ولی نه قیمتی که به ضرر صاحبان کالا باشد (شیخ مفید، ۶۱۶). اما محقق حلی در شرائع می‌گوید محتکر مجبور بر بیع می‌شود ولی قیمت برایش تعیین نمی‌شود (محقق حلی، ۲/ ۱۵). از دیدگاه بعضی دیگر از فقها اگر محتکر قیمت گزافی مشخص کند، حاکم قیمت را تعیین می‌کند (شهید اول، دروس، ۳/ ۱۸۰؛ همو، لمعه، ۱۱۰)؛ برخی دیگر، به دلیل قاعده تسلیط، معتقد به عدم تعیین قیمت هستند مگر این که مالک قیمت گزافی را مشخص یا از تعیین قیمت امتناع نماید (محقق کرکی، ٤/ ٤٢). به نظر امام خمینی تعیین قیمت در ابتدا مجاز نیست اما اگر قیمت گزافی بگوید ملزم به کاهش می‌شود وگرنه حاکم او را به قیمت بلد یا قیمتی که مصلحت می‌بیند ملزم می‌کند. به نظر ایشان عدم تعیین قیمت گاه منجر به بقای احتکار می‌شود (امام خمینی، کتاب البیع، ۳/ ٦١٣). طبق بند ب ماده ۱۷ قانون ۸٦ حق امتیاز متناسبی با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی مورد اجازه به مالک پرداخت می‌شود. این مبلغ را کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌کند (ماده ۳۹ آیین‌نامه). پس در قانون ۸٦ و آیین‌نامه، اختیاری برای تعیین حق امتیاز به مالک داده نشده است.

با عنایت به تعریف احتکار، در موردی که دارنده حق اختراع، از آن بهره‌برداری می‌کند ولی این بهره‌برداری کافی نیست یا قیمتی که عموم مردم باید برای دسترسی به اختراع مثلاً اختراع دارویی بپردازند گزاف و موجب محروم ماندن و درمان نشدن عموم است، احتکار محقق نمی‌شود زیرا بنا به تعریف، مال باید حبس شود در حالی که در این فروض، مالک اختراع را حبس نکرده است؛ در مورد مختل شدن رقابت در نتیجه استفاده مالک یا مجوزگیرنده او نیز شرایط احتکار محقق نیست چون حبسی وجود ندارد. در اختراعات وابسته هم مالک اختراع اصلی مجوز آن را به دارنده اختراع وابسته نمی‌دهد و حتی ممکن است خود در حال بهره‌برداری از آن باشد. پس در این فرض هم ممکن است اصلاً حبسی در کار نباشد یا اگر حبسی هست، اختراع مورد نیاز عموم نیست. لذا این موارد را نمی‌توان مصداق احتکار دانست، پس باید در پی عنوان دیگری برای آن‌ها باشیم. همان طور که دیدیم کنوانسیون پاریس، صدور مجوز اجباری را در موارد سوء استفاده از حق برای کشورهای عضو مجاز دانسته است. در واقع، بسیاری از موارد صدور مجوز اجباری ناشی از سوء استفاده از حقوق انحصاری دارنده اختراع است. حتی احتکار را هم، به طور کلی،

می‌توان مصداق سوء استفاده از حق دانست. جهت تبیین این مدعا، لازم است مفهوم سوء استفاده از حق را تبیین نماییم.

بر طبق تعریف، سوء استفاده از حق هنگامی محقق می‌شود که «شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد» (محقق داماد، ۱/ ۱۴۱). پس به طور کلی، هنگامی که نحوه اعمال حق اختراع (اعم از استفاده یا غیر آن)، به دیگری یا عموم افراد جامعه ضرر وارد می‌کند (شامل احتکار اختراع)، عمل دارنده را می‌توان مصداق سوء استفاده از حق دانست که بنابر قاعده لاضرر ممنوع است (کاتوزیان، ضمان قهری، ۴۳۸). بر طبق بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی، یکی از مبانی اقتصاد کشور منع اضرار به غیر است؛ همچنین بر طبق اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». ماده ۱۳۲ قانون مدنی در مقام تزاحم قاعده تسلیط و لاضرر، لاضرر را حاکم می‌داند زیرا «سلطنت اعتباری جعل شده از طرف شارع برای مالکین نسبت به اموال خود، هر گاه ضرری باشد، به وسیله قاعده لاضرر نفی می‌شود»(بجنوردی، ۱/ ۲۴۲). لذا در چنین مواردی، قانونگذار به منظور مقابله با سوء استفاده دارنده و ورود ضرر به دیگران، اختیار او را در نحوه اعمال حقوق انحصاری‌اش محدود نموده است. این مبنای فقهی حقوقی را می‌توان در اکثر موارد صدور مجوز اجباری به کار برد. اما گاهی دارنده در حال بهره‌برداری است که مصلحتی فوری، صدور مجوز بهره‌برداری را، بدون مذاکره با وی، موجه می‌سازد. در این حالت، شرط حبس مال محقق نشده پس احتکار منتفی است و دارنده در مقام اعمال حق خود مرتکب سوء استفاده نشده و به دیگران ضرری وارد نکرده است تا سوء استفاده از حق اختراع محقق شود. در چنین فرضی، مصلحت عموم با مصلحت فرد تعارض پیدا می‌کند و اگر مصلحت فرد مقدم باشد، جامعه متضرر خواهد شد. بدیهی است که حکومت اسلامی با اختیاراتی که برای اداره جامعه دارد، می‌تواند به سنجش مصالح خصوصی و عمومی مبادرت نموده و مصالح عمومی را بر منفعت خصوصی ترجیح دهد. در واقع، تزاحم با حقوق اجتماعی یکی از عوامل محدودکننده مالکیت است (محقق داماد، ۲/ ۱۳۱). در فرض اختراعات وابسته نیز مصالح عمومی، هر چند به طور غیر مستقیم، دخیل هسستند زیرا بهره‌برداری از اختراع دوم، گرچه ظاهراً فقط به سود دارنده آن است، اما در نهایت، جامعه را به طور کلی منتفع می‌سازد. حتی اگر این استدلال را نپذیریم، باز هم می‌توانیم به اختیارات حکومت اسلامی در تعیین نحوه اعمال حقوق انحصاری اختراع که، خود، به دارنده اعطا می‌کند استناد نماییم.

نتیجه‌گیری

مجوزهای اجباری حق اختراع برای حفظ مصالح عمومی از قبیل امنیت ملی و بهداشت عمومی،

حفظ رقابت آزاد در بازار و اختراعات وابسته به کار می‌روند. صـدور چنـین مجوزهـایی نـوعی مداخلـه در حقوق انحصاری دارنده حق اختراع است که در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشـورها از جملـه ایـران پیش‌بینی شده است. از آنجا که برخورداری از حق اختراع منوط به ثبت آن اسـت و حکومـت ایـن حـق را اعطا می‌نماید، خود حکومت هم می‌تواند قلمرو آن را تعیین و در مواردی اختیار دارنده را در نحوه استیفای حق اختراع محدود کند. مجوز اجباری را باید از این سنخ تمهیدات قانونی قلمـداد نمـود. عنـوان احتکـار قابل اطلاق بر بعضی مصادیق مجوز اجباری است، البته منوط به این که احتکار به موارد مذکور در روایات منحصر نباشد یا این که به اختیار حکومت اسلامی در گسترش مصادیق احتکار، به منظور رفع احتیاجـات عموم استناد نماییم. در بسیاری موارد، عملکرد دارنده حق اختـراع کـه بـه صـدور مجـوز اجبـاری منتهـی می‌شود، مصداق سوءاستفاده از حق و بر طبق قاعده لاضرر ممنوع است و ایـن قاعـده، سـلطنت دارنـده را محدود می‌کند. در فرض عدم سوءاستفاده، اختیار حکومت اسلامی در مقدم نمـودن مصـالح عمـومی بـر منفعت شخصی، صدور مجوز اجباری را توجیه می‌کند.

منابع

ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ١٤١٤ ق.

انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری، ***دانشنامه حقوق خصوصی***، تهران، محراب فکر، ۱۳۸۴.

بجنوردی، حسن، ***القواعد الفقهیه***، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.

پارساپور، محمدباقر، ***گزیده‌ای از حقوق اموال*** (حقوق مدنی ۲)، ویرایش دوم، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۰.

جمعی از پژوهشگران، ***موسوعة الفقه الإسلامی طبقا لمذهب أهل البیت علیهم السلام***، زیر نظر سـید محمـود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ١٤٢٣ ق.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ***الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة***، بیروت، دار العلم للملایین، ١٤١٠ ق.

حکمت‌نیا، محمود، ***مبانی مالکیت فکری***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

خمینی، روح الله، ***توضیح المسائل محشی***، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قـم، ۱۴۲۴ ق.

ــــــــــــــ، ***کتاب البیع***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۱ ق.

خویی، ابوالقاسم، ***مصباح الفقاهه***، قم، داوری، ۱۳۷۷.

ــــــــــــــ، ***منهاج الصالحین***، قم، مدینه العلم، ١٤١٠ ق.

سبزواری، عبد الأعلی، ***مهذب الأحکام***، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار، ١٤١٣ ق.

شهید اول، محمد بن مکی، ***الدروس الشرعیه فی فقه الامامیـه***، قـم، دفتـر انتشـارات اسـلامی وابسـته بـه جامعـه

مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٧ ق.

ــــــــــــــــــ، ***اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه***، بیروت، دارالتراث، الدارالاسلامیه، ١٤١٠ ق.

صادقی، محمود و منصور خاکپور، «موجبات اعطای مجوز اجباری بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری»، ***فصلنامه مدرس علوم انسانی***، دوره ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۶۲-۱۳۲.

طاهری، حبیب اله، ***حقوق مدنی***، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ ق.

طوسی، محمد بن حسن، ***المبسوط فی فقه الإمامیة***، چاپ سوم، تهران، المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.

عاملی غروی، جواد بن محمد، ***مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه***،، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٩ ق.

علامه حلی، حسن بن یوسف، ***تذکرة الفقهاء***، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ١٤١٤ ق.

علیدوست، ابوالقاسم و محمد ابراهیمی راد، «بررسی قاعده تسلط و گستره آن»، ***حقوق اسلامی***، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹، صص ۷-۳۱.

فیومی، احمد بن محمد، ***المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی***، قم، منشورات دار الرضی، بی‌تا.

کاتوزیان، ناصر، ***الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری***، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۸.

ــــــــــــ، ***اموال و مالکیت***، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸.

کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی، ***سؤال و جواب***، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، بی‌تا.

محقق حلی، جعفر بن حسن، ***شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام***، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٤٠٨ ق.

محقق داماد، مصطفی، ***قواعد فقه***، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

محقق کرکی، علی بن حسین، ***جامع المقاصد فی شرح قواعد العلامه***، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ١٤١٤ ق.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ١٤١٤ ق.

مصطفوی، محمد کاظم، ***مئه قاعده فقهیه***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.

مغنیه، محمدجواد، ***فقه الامام الصادق علیه السلام***، چاپ دوم، قم، انصاریان، ۱۴۲۱ ق.

مفید، محمد بن محمد، ***المقنعة***، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، ***مستند الشیعة فی أحکام الشریعة***، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۵ ق.

Abbas, Muhammad Zaheer, Riaz, Shamreeza, "Evolution of the concept of compulsory licensing: a critical analysis of key developments before and after TRIPS", ***Academic Research International***,

Vol. 4 no. 2, March 2013, pp. 482-499.

Correa, Carlos, M, "Intellectual Property Rights and the Use of Compulsory Licenses: Options for Developing Countries", ***Trade Related Agenda, Development and Equity***, 1999.

Cotropia, Christopher Anthony, "Compulsory Licensing Under TRIPS and the Supreme Court of the United States' Decision in eBay v. MercExchange". *Patent Law: A Handbook Of Contemporary Research*, Toshiko Takenaka & Rainer Moufang, eds., Edward Elgar Publishing Co., 2008. Available at SSRN:http://ssrn.com/abstract=1086142 (last visited on 6/8/2016).

Cottier, Thomas et al, "Use it or Lose it? Assessing the Compatibility of the Paris Convention & TRIPS with respect to Local Working Requirements", ***Swiss National Center of Competence in Research***, Working Paper no. 2012/11, June 2013.

Jasmila, Iljazovic, ***Licensing of Pharmaceutical Patents in Developing Countries***, LL.M Short Thesis, Central European University, 2013.

KEI Research Note: "Recent United States Compulsory Licenses", http://keionline.org/sites/default/files/Annex_A_US_Compulsory_Licenses_7Mar2014_8_5x11.pdf, 2014 (last visited on 7/6/2016).

Khan, Kishore, "Striking a balance in compulsory license legislation", ***Journal of International Commercial Law***, Vol. 5, Spring issue, nom. 2, pp.221-258.

Liu, Kung-Chung, "The need and justification for a general competition-oriented compulsory licensing regime", ***IIC*** 2012, 43(6), pp. 679-699.

Reichman, Jerome, H, & Hasenzahl, Catherine, "Non-voluntary Licensing of Patented Inventions Historical Perspective, Legal Framework under TRIPS, and an Overview of the Practice in Canada and the USA", *International Centre for Trade and Sustainable Development* (ICTSD), 2003.

Thomas, John, R, "Compulsory licensing of patented inventions", ***Congressional Research Servive***, 2014.

Yosick, Joseph, A, "Compulsory Licensing for Efficient Use of Inventions", ***University of Illinois Law Review***, Vol. 2001, pp. 1275-1304.